

# کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۵۳ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان



۲

فرسودگی ناوگان حمل و نقل

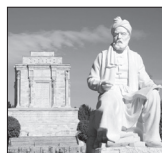
«یادداشت»



۲

«زنان نامی ناتمام اند»

«شعر»



۵ و ۴

تماشاخانه‌ی

شاهنامه



مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

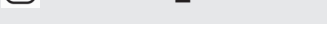
دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل ماتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲

nozha\_collection



یادداشت اول

## به نام نامی ایران

■ احسان مکتبی

هیات مذاکره کننده کشورمان امروز در یک روز تاریخی وارد گفت و گویی خواهند شد که هیچ خیرخواهی نیست که برایشان دعای خیر را بدرقه نکند. براین اساس برای هیات مذاکره کننده آرزوی سر بلندی از این گفت گوهی سخت را از درگاه خداوند مسالت داریم. امروز ما ایرانیان حاضر وقتی به پشت سر خود در تاریخ نگاه می کنیم حسرت می خوریم که کاش در دوران فلان پادشاه فجری به گونه ای عمل می کردیم که تکه ای از ایران عزیزمان جدا نمی شد و یا کاش محمد خوارزمشاه آن چند ناهان را تنبیه می کرد و کیان ایران را حفظ می کرد تا دچار تاراج مغول نشویم، یا کاش پادشاه ساسانی به گونه ای دیگر در برابر اعراب رفتار می کرد یا در دوران مشروطه رفتار درست تری داشتیم تا انقلاب مشروطه امان به سامان می رسید و یا در فلان تاریخ حاکمان گول کاسه لیسان بیگانه را نمی خوردند و فلان تصمیم را نمی گرفتند، به نظر می آید امروز نیز یکی از آن بزنگاههای تاریخی است که سازههای آینده به آن دقت می کنند، به عبارتی فرزندان ما نیز در انتظار تصمیم تاریخی امروز ایرانیان هستند زیرا تصمیم اکنون ما زندگی نیامدگان را نیز متأثر خواهد کرد. همانگونه که تصمیم خسرو پرویز، محمد خوارزمشاه و فتحعلی شاه و رفتار بزرگان مشروطه زندگی امروز ما را متأثر کرده است. به این خاطر آرزوی می کنیم صاحب منصبان به گونه ای عمل کنند که نسل امروز و فردای ما حسرت فرصتهای از دست رفته را نخورند و زانوی غم به بغل نگیرند که کاش در آن لحظات سخت، پدرانمان حساب شده تر و دقیق تر عمل می کردند، کاش به گونه ای تصمیم بگیریم که فرزندانمان و همه نظاره گران ما به صلابت، خردمندی و تدبیر ما در استیفای حقوق ملت ایران آفرین بگویند. کاش به گونه ای تصمیم بگیریم که فرزندان ما به ما آفرین بگویند و با افتخار بگویند که در روزگاری نه چندان دور پدران و مادرانمان از آبروی خود گذشتند اما ایران را به سلامت برای ما گذاشتند، بگویند آنها اعتبار خود را گذاشتند و ایران را برداشتند، کاش همه چیز به نیکی و خجستگی ختم شود، تا شرمندگی ایران اکنون و ایرانیان تاریخ نشویم و این جز به خردمندی و تدبیر نیست، اگر عاقل باشیم و تن به اراده مردم بسپاریم، مردمی که صلابت آنها صلابت خلاصت می توانیم فرزانیز سر بلند باشیم، باید باور کنیم ایران با همه افتخارش تنها یک ملت در جغرافیا نیست، یک فرهنگ ریشه دار، یک متن عمیق در میان متون نوظهور جهان است. ایران به خوبی خود یک اثر بلند فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی برای بشریت است، یک میراث بشری است که باید آن را نه فقط برای خودمان که برای بشریت محفوظ نگاهداریم. با تمام وجود برای سر بلندی ایران دعا کنیم.

صاحب امتیاز



رشد تولید فرش دستباف در سایه چالش‌ها

« ۸ »



تقابل دروغین بین دین و عناصر هویت ملی

« ۸ »



مسئولان چرا حال و روز مردم را نمی بینند؟

« ۸ »

# جنگ تحمیلی آب



آبیاری مدرن و کاهش هدررفت آب، تعیین الگوی کشت مناسب برای شرایط کم آبی، همچنین حفاظت از منابع آب زیرزمینی از طریق اجرای طرح‌های احیا و تعادل بخشی منابع آب، تجهیز چاه‌ها به ابزارهای هوشمند اندازه گیری آب. در نهایت هم افزایش آگاهی عمومی و فرهنگ سازی با آموزش جوامع محلی در مورد مدیریت مصرف آب و تشویق کشاورزان به استفاده از روش‌های پایدار آبیاری این مقاله البته بر روی آب در تهران، قم، چهارمحال و بختیاری و اصفهان و مشکلات این مناطق نیز کار کرده است اما علت مشکلات آب در ایران علاوه بر کمبود طبیعی چیست؟ این گزارش کوشیده است تا به صورت خلاصه به آن پاسخ گوید.

## نقش ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حکمرانی آب

بحران آب در ایران به علت ضعف‌های حکمرانی و مدیریت منابع آبی شلت گرفته است. مهم ترین دلایل این ضعف‌ها عبارتند از: فساد اداری؛ فساد در نهادهای حکومتی باعث می شود که تصمیمات بر اساس منافع شخصی یا گروهی اتخاذ شوند و نه بر اساس نیازهای واقعی و علمی. این امر باعث هدر رفت منابع، اجرای پروژه‌های بی کیفیت و کاهش کارایی سیستم‌های آبی می شود. در نهایت، اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی کاهش می یابد. عدم شفافیت اطلاعات: نهادهای حکمرانی آب معمولاً اطلاعات مهم را از مردم پنهان می کنند و از این طریق امکان نظارت عمومی و ارزیابی عملکرد کاهش می یابد. این عدم شفافیت باعث فساد و سوءاستفاده از منابع می شود و تصمیمات نادرست گرفته می شود که وضعیت بحران آب را پیچیده تر می کند.

ادامه در صفحه ۲

تغییرات اقلیمی مانند کاهش بارندگی و افزایش دما، فشار شدیدی بر منابع آبی وارد می آورد اما این تمام ماجرا نیست. وضعیت حکمرانی آب در دهه های اخیر به شکلی بوده که استان های پر آب کشور را هم درگیر مسائل متعددی کرده است. به گزارش ایران، حیات طبیعت به آب وابسته و کشور ما درگیر خشکسالی است. چشم انداز بحران آب، علاوه بر مناطق پرجمعیت و آب تر صنعتی در مرکز کشور، در استان هایی مانند گرگان و چهارمحال و بختیاری نیز رخ نموده است. تعرض به خطوط انتقال آب در نواحی مرکزی کشور که بیش از سایر مناطق درگیر کم آبی هستند، از دید بسیاری از ناظران از تازه ترین نمونه های جلی شدن این مساله است. اهمیت این موضوع سبب شده پژوهش های گوناگونی با تمرکز بر کم آبی و پیامدهای آن در مناطق مختلف کشور صورت گیرد؛ پژوهش هایی که گریه های از تازه ترین آن ها را در ادامه می خوانی:

## تغییرات اقلیمی و خشکسالی منابع آبی گرگان را تهدید می کند

خشکسالی یکی از چالش های اساسی در مدیریت منابع آب است که به ویژه در مناطقی با وابستگی زیاد به منابع زیرزمینی، اثرات قابل توجهی بر فقر آبی دارد. در شهرستان گرگان، تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت و مصرف بی رویه آب، فشار بر منابع آبی را افزایش داده است. برای ارزیابی وضعیت فقر آبی و تأثیر خشکسالی بر آن، شاخص فقر آبی (WPI) که شامل پنج مؤلفه منابع، هواشناسی، مصرف، ظرفیت و محیط زیست است، مورد استفاده قرار گرفته است. در یک مطالعه علمی در گرگان (منیره لیاقی و همکاران، «ارزیابی تأثیرات شاخص های

شاخص SPEI که علاوه بر بارش، تبخیر-تعرق و رانیز در نظر می گیرد بالاترین همبستگی (۰.۹) را با شاخص فقر آبی (WPI) نشان داده است، که بیانگر تأثیر شدید کاهش بارندگی و افزایش تبخیر بر منابع آب منطقه است. همچنین، تحلیل روند ۱۳ ساله نشان داد که در سال هایی که خشکسالی شلت یافته، میزان فقر آبی نیز افزایش داشته است. این موضوع به ویژه در سال ۱۳۹۳ که بالاترین وضعیت فقر آبی ثبت شده، مشهود است. علاوه بر این، پنجره زمانی ۱۲ ماهه نسبت به دوره های کوتاه تر، ارتباط بهتری بین خشکسالی و فقر آبی را نشان داده است، که حاکی از اثرات بلندمدت خشکسالی بر منابع آب منطقه است. در میان مؤلفه های شاخص فقر آبی، مصرف آب (نیاز آبی) بیشترین تأثیر را در افزایش فقر آبی داشته است، که نشان دهنده فشار بالای مصرف، به ویژه در بخش کشاورزی، بر منابع آبی منطقه است. با توجه به اینکه مصرف آب بیشترین تأثیر را در ایجاد فقر آبی داشته است، راهکارهایی پیشنهاد می شود از جمله: مدیریت مصرف آب در بخش کشاورزی، استفاده از روش های

خشکسالی بر شاخص فقر آبی، ملل سازی و مدیریت آب و خاک، دوره ۴) که بر اساس داده های آماری بین سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ در شهرستان گرگان انجام شده، میانگین شاخص فقر آبی در دوره مورد بررسی ۵۵ بوده است. در ۸ سال از ۱۳ سال مطالعه شده، شاخص فقر آبی یا  $WPI < 0$  کمتر از میانگین بوده است که نشان دهنده وضعیت نامطلوب منابع آب است. سال ۱۳۸۸ با مقدار ۸۱.۰۷، بهترین وضعیت و سال ۱۳۹۳ با مقدار ۲۶.۰۹، بدترین وضعیت فقر آبی را داشته است. مصرف آب (نیاز آبی) بیشترین تأثیر را در افزایش فقر آبی داشته است. بعد از آن، مؤلفه های محیط زیست، منابع، هواشناسی و ظرفیت در رتبه های بعدی قرار دارند. مؤلفه منابع (افت آب زیرزمینی) بالاترین وزن (۰.۳۵۴) را دارد اما بعد از ترکیب با دیگر متغیرها، مؤلفه مصرف آب بیشترین تأثیر را بر WPI گذاشته است. نتایج این مطالعه نشان داده که خشکسالی تأثیر مستقیمی بر فقر آبی در شهرستان گرگان دارد. مصرف بی رویه آب مهم ترین عامل تشدید فقر آبی در منطقه است.

## ادامه تیر اول

**بی توجهی به مشارکت مردمی:** در بسیاری از موارد، نظرات و نیازهای مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته می‌شود. این عدم مشارکت باعث می‌شود که تصمیمات به‌طور متمرکز و بدون در نظر گرفتن شرایط محلی اتخاذ شوند که در نتیجه، پروژه‌های ناکارآمد و نادرست اجرا می‌شوند و مردم از نهادهای حکومتی بی‌اعتماد می‌شوند.

**ساختارهای اجتماعی و فرهنگی:** در برخی مناطق ایران، فرهنگ بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و محافظه‌کاری در پذیرش تغییرات وجود دارد.

این عوامل می‌توانند به عدم همکاری مردم در حل مشکلات آبی و ایجاد چالش‌های مدیریتی کمک کنند. **سیستم حقوقی ناکارآمد:** قوانین موجود در حوزه منابع آبی اغلب ناقص، غیرشفاف یا به درستی اجرا نمی‌شوند. این وضعیت باعث بروز منازعات محلی، توزیع ناعادلانه منابع و کاهش اثربخشی پروژه‌ها می‌شود.

**فشارهای سیاسی:** تصمیمات مدیریتی گاهی تحت تأثیر منافع سیاسی قرار می‌گیرند و این فشارها باعث تخصیص نادرست منابع و اجرای پروژه‌های غیرضروری می‌شود. در نتیجه، مشکلات آب پیچیده‌تر می‌شود و منابع به‌طور غیرمنصفانه توزیع می‌شوند.

**تغییرات اقلیمی:** تغییرات اقلیمی مانند کاهش بارندگی و افزایش دما تأثیرات شدیدی بر منابع آبی دارند. این تغییرات منابع آبی را کاهش داده و نیاز به مدیریت دقیق‌تر و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با بحران‌های آبی را ضروری می‌سازد.

**بحران‌های اقتصادی:** بحران‌های اقتصادی، کاهش

درآمدهای دولتی و فشارهای مالی به کاهش بودجه‌های تخصیص‌یافته به پروژه‌های آب و زیرساخت‌ها منجر می‌شود. این وضعیت باعث فرسودگی زیرساخت‌ها و افزایش هزینه‌های آب برای مردم می‌شود. این چالش‌ها منجر به هدررفت منابع آب و عدم استفاده بهینه از آن‌ها شده است، که بر بحران موجود می‌افزاید.

## راهبردها و پیشنهادات برای ارتقای بهره‌وری صنعت آب

**۱- حکمرانی مشارکتی:** استفاده از ظرفیت تمامی ذی‌نفعان و کاهش نقش متمرکز دولت در حکمرانی آب، به‌ویژه با مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی.

**۲- اقتصاد آب:** تعیین قیمت واقعی برای آب، به‌ویژه در مصارف صنعتی و کشاورزی، و ایجاد بازار آب برای کشف قیمت واقعی و مدیریت عرضه و تقاضا.

**۳- ارتقای بستر اجرایی:** بهبود ساختارهای اداری و قانونی جهت تسهیل حکمرانی و اجرایی شدن سیاست‌ها.

**۴- مدیریت کلان منابع آب:** گذر از مدیریت مقطعی و بخشی به سمت مدیریت استراتژیک و بلندمدت منابع آبی.

**۵- فرهنگ‌سازی و مشورتی‌مداری:** ترویج مصرف‌بهینه آب در سطح جامعه با استفاده از ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ها.

**۶- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها:** ایجاد تاسیسات جدید برای جمع‌آوری روان‌آب‌ها و تقویت زیرساخت‌های جمع‌آوری و توزیع آب.

**۷- پایگاه داده جامع:** ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق از منابع آب و ارزیابی نیازهای آبی، به‌منظور بهبود تصمیم‌گیری‌ها.

**۸- توسعه منابع انسانی:** ایجاد رشته‌های دانشگاهی تخصصی در زمینه حکمرانی آب و پرورش متخصصان بین‌رشته‌ای. این راهبردها در صورت اجرای مؤثر می‌توانند بهره‌وری صنعت آب را افزایش داده و بحران آب در ایران را مدیریت کنند.

متعددی از جمله تحریم‌ها، عدم سرمایه‌گذاری کافی، و ناکارآمدی برخی سیاست‌ها دارد. این مسئله تنها یک چالش فنی نیست، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد، محیط زیست و زندگی روزمره مردم دارد. در این نوشتار، با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر داده‌ها، به بررسی عمیق ابعاد مختلف این مسئله پرداخته و راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت ارائه می‌شود.

## ابعاد بحران فرسودگی ناوگان

## پیامدهای تحریم‌ها:

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، دسترسی به تکنولوژی‌های نوین، قطعات یدکی و منابع مالی برای نوسازی ناوگان را به شدت محدود کرده است. این محدودیت‌ها به ویژه در بخش‌های حمل و نقل دریایی و هوایی که نیازمند تجهیزات پیشرفته‌تر هستند، به صورت چشمگیری احساس می‌شود. در نتیجه، عمر مفید ناوگان کاهش یافته و هزینه‌های تعمیر و نگهداری افزایش یافته است.

**عدم سرمایه‌گذاری کافی:** نبود سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و پایدار در بخش حمل و نقل، باعث شده است که ناوگان کشور نتواند خود را با استانداردهای جهانی تطبیق دهد. این امر منجر به فرسودگی تدریجی ناوگان و کاهش بهره‌وری آن شده است.

**پیری زیرساخت‌ها:** علاوه بر فرسودگی ناوگان، زیرساخت‌های حمل و نقل مانند جاده‌ها، راه آهن و بنادر نیز به دلیل عدم نگهداری مناسب، دچار فرسودگی شده‌اند. این امر باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی، کاهش ایمنی و کاهش ظرفیت حمل و نقل شده است.



## فرسودگی ناوگان حمل و نقل



دکتر رحمان قره‌باش

مشکل فرسودگی ناوگان حمل و نقل در ایران، چالشی پیچیده و چند وجهی است که ریشه در عوامل

**تبعات زیست‌محیطی:** ناوگان فرسوده، به دلیل مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار آلاینده‌ها، به محیط زیست آسیب جدی وارد می‌کند. این امر باعث افزایش آلودگی هوا، تغییرات آب و هوایی و مشکلات بهداشتی شده است.

**افزایش هزینه‌های عملیاتی:** فرسودگی ناوگان، هزینه‌های تعمیر و نگهداری را به شدت افزایش داده است. از طرفی، مصرف سوخت بالا و کاهش بهره‌وری، هزینه‌های عملیاتی را نیز بالا برده و در نهایت به افزایش هزینه‌های حمل و نقل برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منجر شده است.

**کاهش ایمنی:** ناوگان فرسوده، احتمال وقوع حوادث رانندگی و ریلی را افزایش داده است. این امر علاوه بر خسارات مالی، باعث تلفات جانی و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

## تأثیرات بر اقتصاد و جامعه

**کاهش بهره‌وری اقتصادی:** فرسودگی ناوگان، بهره‌وری در بخش تولید و توزیع را کاهش داده و در نتیجه به رشد اقتصادی لطمه می‌زند.

**افزایش هزینه‌های تولید:** افزایش هزینه‌های حمل و نقل به عنوان یکی از هزینه‌های اصلی تولید، بر قیمت تمام‌شده کالاها افزوده و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی را کاهش می‌دهد.

**کاهش کیفیت خدمات:** فرسودگی ناوگان، کیفیت خدمات ارائه شده به مردم را کاهش داده و رضایت‌مندی آنها را پایین می‌آورد.

**افزایش شکاف توسعه‌ای:** عدم دسترسی به خدمات حمل و نقل مناسب در مناطق محروم، شکاف توسعه‌ای بین مناطق مختلف کشور را افزایش می‌دهد.

**راهکارهای برون‌رفت توسعه سرمایه‌گذاری:** جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در بخش حمل و نقل، احداث زیرساخت‌های جدید و نوسازی ناوگان موجود، از جمله اولویت‌های اصلی است.

**تسهیلات مالی:** ارائه تسهیلات مالی به شرکت‌های حمل و نقل برای خرید تجهیزات جدید و نوسازی ناوگان، می‌تواند به تسریع این روند کمک کند.

**حمایت از تولید داخلی:** حمایت از تولید داخلی قطعات و تجهیزات حمل و نقل، کاهش وابستگی به واردات و ایجاد اشتغال را به دنبال خواهد داشت.

توجه به حمل و نقل سبز، توسعه حمل و نقل پاک و استفاده از سوخت‌های پاک، به کاهش آلودگی هوا و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کند.

**به‌روزرسانی قوانین و مقررات:** اصلاح قوانین و مقررات مربوط به حمل و نقل، ایجاد محیطی رقابتی و شفاف برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌سازد.

**توسعه حمل و نقل ترکیبی:** تلفیق انواع مختلف حمل و نقل (جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی)، می‌تواند بهره‌وری را افزایش داده و هزینه‌ها را کاهش دهد.

با این اوصاف، فرسودگی ناوگان حمل و نقل ایران، یک چالش پیچیده و چند وجهی است که نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ برای حل آن است. با اتخاذ راهکارهای مناسب و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، می‌توان این مشکل را برطرف کرده و به توسعه پایدار بخش حمل و نقل کمک کرد.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی استان گلستان



## «زنان نامی ناتمام اند»

نه تو  
همان تو هستی  
نه ماه همان چراغی  
که گم شده است



سریا داودی حموله

ماهی‌ها در قرائت اول عمیق می‌خوانند  
وقتی می‌میرند  
از نسبت ما می‌پرسند  
نمی‌دانند  
همه ی زن‌ها  
یک آیینی‌ی اضافی دارند

۳  
درخت  
زن کاملی ست  
به هر طرف که بچرخد  
ماه بی دلیل است

۴  
به هر دری بزنی

زنی فرنگی‌س ام می‌کند  
این بار با سبب سرخی برگرد  
و سر رسیدی  
که تحمل عشق ما را داشته باشد

۵  
شکل زنی  
که نباید محو زیبایی خود شود  
از دو سر رود سر می‌روم  
روی سایه ام  
گم ات می‌کنم

۶  
نام هیچ زنی  
با تو شروع نمی‌شود  
همیشه قطاری  
از دیروز می‌رسد  
حافظه ی ماه را پاک می‌کند

۷  
زن پیاده رویی خسته ست  
نمی‌داند

روزی عشق تمام می‌شود  
و ماه سایه‌های زمین را می‌بلعد  
۸  
رنگ دیگر کلاغ را  
به شناسنامه ام اضافه کنید  
این شعر

روشنایی از رویاهای زنی دارد  
که در نیمه ی دیگر  
از تو کم شده است

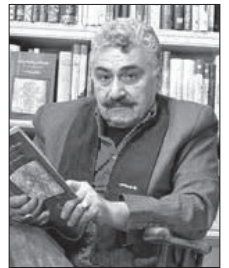
۹  
همه ی گنجشک‌ها بی‌حواس اند  
تا حیاط خلوتی پیدا کنند  
به یک عطسه،  
تعادل زمین را به هم می‌ریزند  
اگر روزی آواز نخوانند  
رنگ آسمان  
از یاد خواهد رفت

۱۰  
زنان نامی ناتمام اند  
وقتی در من به هم می‌رسند





# تماشاخانه‌ی شاهنامه



سیدحسین میرکاظمی

دیدنی پُرمعنایی است. نوجوان محنت کشیده افغانی، بوته گیاه نورسی را در دست داشت. آن را می خواست در زمین سوخته و خامان سرکوب شده اش، درخت کند. دو دیگر، هندوی پیکر استخوانی در گودی دست، روی دانه ی گنم خاک ریخته بود. او هم می خواست از آن، ساقه ی گنم زاری بروناند. پیام پُرتکانه ی درخت و ساقه ی گنم، در فراهم آوردن این جُستار بی سبب واقع نشد. عوفی بخاری، ادیب خراسانی و صاحب کتاب لیب الالباب می گوید: جمله ی گذشتگان را در خجلت انداخته و آیندگان را در تک

و پوی فکرت انداخته... و در وصف سخن فردوسی: کمال صنعت در آن است که از اول تا آخر بر یک نسق رانده است. افزون بر این به نقل از دولتشاه سمرقندی: اکابر و افاضل متفق اند که شاعری در روزگار اسلامی مثل فردوسی از کُتم علم پای به مصوری وجود نهدند.

در مدخل گفتنی، به خلاف حماسه های چون مهاباراتا، ایلیاد، اودیسه و نیبولنگن لید، که انگیزه ها و خواسته های دیگر دارند و از دید غربیان ایلیاد و اودیسه هومر، رامایانا و مهاباراتا هندیان حماسه شناخته شده اند شاهنامه، حماسه ای ملی است. فردوسی در همان آغاز شاهکار خویش، تکلیف خود را با مخاطب روشن می کند: تو این را دروغ و فسانه بدان به یکسان رُوش زمانه بدان اینک می خواهیم با روایت فردوسی، صیروت و شدن فردوسی را در تماشاخانه ی شاهنامه بفهمیم. می خواهیم از روایت اش جهانی را که با بروز حماسی درونی کرده، درک کنیم. در هنر عمده این است که جهان ما درونی شود. عیان این جهان با کلمه می شود ادبیات. جهان ما بی گمان در جای جای جهان هستی ماست. هستی برونی و درونی، تخیل، ساختار کدکی و زاویه به زاویه مکان و زمانی که در آن و آناتی دم به دم نفس کشیده ایم. افسانه های غبار آلود خراسان یا خاور زمین، سمرقند و بخارا، دیوارهای کاهگلی و آهک مال و برهنگی کوه ها، روستاهایی با حصار خشت خام و کاروانسراهای آجری، شیبه و نعره ی اسب ها و شترها، کاروان های راه ابریشم با شبکه راه ها و دیده ویستان فرهنگی کافذادویه جات و طاقه های ابریشمی دل رُئی زنان و دختران، اسب های بلند قامت و تونمند رخش وار و شیدبوزور، عماده های کلدونیلی و نعلین های نوک برکشته و پیرهن های گلدار، کوشک های مرمری، برج های کبوترخان، کشتزارها و جلیزه های پهناور و سُمضربه های اسب های مهاجم و خروش شمشیرهای خونبار، شور و شیبون آدم ها، توده های برف ساقه های باران و..... از خاطره ها، کم سرشار نیستیم.

این جهان به انضمام انسان، هستی ماست. انسان همیشه تاریخ و فرهنگ، منضم به ماست و می خواهیم چیزی به این انسان، خطرات انسان و خاکستری بیفزاییم. از این ره گذر سعلی پس از سی و پنج سال سفر و کسب و انباشت تجربه، سعلی می شود. جهان سعلی در عرصه ی پنجاه سال درونی است. در فاصل سی و پنج روز تا پایان نیافتن عمر گل بهارانه ی شیراز، کتاب گلستان، این کلام رشک انگیز و آهنگین زبان پارسی را برای دوران ها می آفریند. حیرت را کسانانی به ندانان می گزند و ناباورانه زمان تالیف کتاب گلستان همچون به کوتاهی عمر گل می پندارند که راز شدن سعلی، درونی شدن سعلی، زایش شدن را در حوزه آفرینش و فرایند خلایقیت هنر به معیار نمی گیرند. با چنین عنایتی به شرح دربی، «ابوالقاسم فردوسی» حکیم سخن و حکیم طسوس می شود و شاهنامه را می آفریند. از این لحظه و از دقیقه اکنون تاریخ معاصر، نگاه می کنیم و پرسشی است. فردوسی کدام تجربه های تاریخی را درک کرده و فهمیده بود. منظر جهان بینی اش به گستره احیای هویت فرهنگی و انسان ایرانی، از چه نیازی مایه ور شده بود. ویلیام فاکنر می گوید: «حاجت نیست که صصای شاعر تنها و صصف حال آدمیان باشد. این صصامی تواند همچون تکیه گاهی یا ستونی آنان را یاری دهد تا پایداری کنند و پیروز شوند.» زندگی و شخصیت شاعر و سراینده را در روزگار تیره و تارش، باید از نو شناخت. تاریخ وضع فکری و اجتماعی دوره و شدن او را بررسی کرد گفته شود دیالکتیک «شدن» بین مایه ی هستی آدمی و هستی اجتماعی دارد. این پویش، خود را محبوس و در قیدوبند هیچ قالب بیخ زده ای نمی کند. با چه سفرهایی به ویرانه ها، سنگ نبشته ها، بر روی پوست چروکیده و خشک آفاق در سرزمین بزرگ فارسی زبان و ایرانی، از فراز آب ها و ابرهای اسرارآمیز، کاخ ها، قلمرو اسطوره ها، زندگی عظیم اساطیر، سلسله های فرمانروایی دو سنگ آسیاب خلافت عرب و سلطنت ترک، جنگ و آشوب و بی سروسامانی، چیرگی فروریگان و خورای آزادگان و حیطة ی ممنوع، تماشاخانه ی شاهنامه را می توان دید. تا این سفر جانکاه واقعی و خیالی و پُر از گزند رویاهای جاوید، صورت نپذیرد انگار با چشم های بسته ندای شاهنامه را می کاوم و می نودیم. چگونگی می شود برای نخستین بار، جهان شاهنامه را دید و درک شود کدام واقعبت تاریخی تأیید و تکانه ای برای تجربه ها و یاری دهنده ی پایداری و پیروزی امروزی است. رُئی جاوید چون داد و دهش، خرد و پهلوانی شاهنامه ای در عصر اینترنت و فضای مجازی نه این که فرسوده شده باشند، بلکه یادآوری این ادعاست با شاهنامه می توان به تسخیر مجلد جهان نایل آمد. همواره تحقیقات و پژوهش بی شمار درباره ی وجوه مختلف شاهنامه ی گراتسنگ انجام گرفته، اما انگار منظرهای متفاوت محققین و شاهنامه پژوهان پایان ناپذیرست. عمده این است که پژوهش تازه نسبت به پژوهش های قبل بعلاوه یک و به پرسش ناپرسیده ای از شاهنامه پاسخ داده شود. مسایل فرهنگی در شاهنامه سوگوری زنان در شاهنامه، زن در شاهنامه خرد و داد و دهش در شاهنامه، شاهنامه و هویت ملی، واژه نامه شاهنامه، فرهنگ جامع شاهنامه، فردوسی و زبان فارسی، وطن پرستی در شاهنامه، درخت در شاهنامه، حماسه در شاهنامه، عشق در شاهنامه، عواطف انسانی در شاهنامه، پهلوانی در شاهنامه، سیمرخ در شاهنامه و... سر آن نیست که به آن چه گفته

اند و با ارزش هم پژوهش شده، دوباره و چندباره پرداخته شود. این سعی در پیش است که محور سخن معطوف به پرسشی باشد که برای تماشاخانه ی شاهنامه مطرح است. به عبارتی منظومه ای از تکانه ها و شیوه ای از هستن و شناخت شدن جهان فردوسی و سرانجام جلوه های گوناگون یک درون مایه واحد، فراروی می باشد. باید به خود فردوسی برگشت. جهان زندگی او با کلام ابزارهای فرهنگی معاصرش برای درک زندگی، انگیزه ی آفرینشگری بوده است. در چه سیری ابزارهای فرهنگی و معرفتی، بخشی از وجودش شده و آن را در درون هستی اش جا انداخته بود. موردی که آفرینندگان دیگر غافل از آن شدند و نتوانستند در درون هستی شان جابینالازند. فقط این ابزارهای فرهنگی و معرفتی در نابغه و منحصر به فرد قرن چهارم، انباده شد. صد البته بعد از او کوشش زیادی بعمل آمد تا آثاری حماسی بسرایند اما این تالیف ها موفق نبود. به نقل از پروفسور ژاک برک، هر پاینده ای را باید با بینش و روح همان عصر خویش نگرینست و سپس قضاوت کرد. ایران در زیر سیطره عرب نزدیک بود همه چیز حتی زبان خود را از دست بدهد، همچنان که کشورهای شمال آفریقا، مصر، عراق و سوریه زبان خود را از یاد بردند. در چنین روزگاری است که فریاد رسا و پُرتنین سراینده ای از روستای باژ و الیان مسلط به زمان را به وحشت می اندازد. جمله معروفی در قلیوسنامه حاکی است شعر از بهر مردمان گویند نه از بهر خویش روح فردوسی است که مشخص کننده ی یک عصر و با آسمان خاص می باشد و بازتاب دهنده ی عصر خود است. روح زمانه در هنر متجلی و متبلور می شود: شود خوار هر کس که بود ارجمند/ فرو مایه را بخت گردد بلند و یا

نهان گشت آیین فرزندان/ هنر خوار شد، جادوی ارجمند پراکنده شد نام دیوانگان/ نهان راستی، آشکارا گزند از یک طرف در عصر فردوسی، سلطه خلافت عربی عباسی که آزادگان را به بهانه این که فرمطی، رافضی و زندق اند به شمشیر گردن زدند. پیوستند از ایشان گروهی سپاه زدینا نهند از بر سسر کلاه بریزند خون از پسی خواسته/ شش روزگار مهان کاسته چنین بی وفا گشت گردان سپهر/ دژم گشت وازما بفرید مهر و از طرف دیگر تاخت و تاز قبایل ترک، دولت ایرانی سامانی و سایر خاندان ایرانی را یکی بعد از دیگری از میان بردند. این مهاجمان که از دوره سلانیان به ایران تاختند، توراتی نامیده می شدند. حکیم سخن سرای طوس، تاریخ و داستان عصر خود روح زمانه ای برای بیان دردهای مردم به کار گرفت. از این ره گذر، شاهنامه آئینه تمام نمای روح فردوسی و سند ملیت ایرانی می باشد. او راوی و هم خالق است. به این ترتیب پیداست مردم ایران، رستم شاهنامه ای را رستم خود کنند. و برای نگاهداری شاهنامه با از بر کردن و به خاطر سپردن آن و ایجاد صنف نقلاان، هم حافظ و هم روح دهنده شفاهی شاهنامه باشند. شاهنامه خوان ها خود ادیب و شاعر بودند. شاه عباس خود به شاهنامه فردوسی علاقه ی بسیار داشت. شاهنامه خوان های او «عبدالرزاق قزوینی خوش نوس»، «ملا بیخودی گنابادی»، «مولانا فتحی اصفهانی» و تا عصر پهلوی «هرشد غلامحسین بوترانی»، معروف به «غول بیچه» و «اسیدعلی اکبر» بودند. مردمی ترین مکان نقالی، از قهوه خانه ها باید نام برد. نقالان قهوه خانه و شاهنامه خوان نظیر «ملا مومن کاشی» معروف به یکه سوار و «سالار بهمن خان» و... با خلایقیت ممتاز و پرجوشی که داشتند، این

هوشیاری جَنَمی با آنها بود که حکمت جهان پهلوانی، فلسفه و جهان بینی خرد و داد و دهش، افسانه ها و اسطوره ها و تمثیل های عوام را خیلی خوب دریافته بودند. و گفتی در ذهن شان گوشش شده و حاصل این توان نقل پُرطرقدار و جان دار شاهنامه است. این نوع نقالان در نقل شاهنامه تا آن جا که رستم از شاهنامه سپری نشده و شاهنامه با رستم است، باطن و روحا نقش رستم را دارند و حماسه ولر خود را رستمی می پندارند. در مجلس نقالی این رستم بود که نقالی می کرد. با این دانسته ها، پی گیری صیروت و شدن فردوسی، نکته ی مورد نظر در ابتدای این مقال، در شرحی مبسوط فرض می باشد. ابوالقاسم فردوسی از طبقه ی دهقانان در قره باژ از ناحیه طبران طوس در پنجاه کیلومتری مشهد، در سال ۳۲۹ هجری قمری زاده شد. او ملک و ثروت موروثی کافی داشت. دهقانان که در سده های پیش از اسلام از طبقات ممتاز ایرانی به شمار می آمدند، احساس تعلق فراوان به ایران پیش از اسلام داشتند و به حفظ روایات محلی حاکی از دوران خوش نیاکان خود علاقه مند بودند. فردوسی با سلسله های سامانیان و غزنویان در جغرافیای خراسان بزرگ، هم عصر بوده است. برای او خراسان بزرگ و ایران زمین تصور جغرافیایی بود. ایران زمین «ایرانشهر» محلوده جغرافیایی و حوزه تمدنی فلات ایران و جلگه های مجاور آن شامل ایران کنونی، بخش بزرگی از قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی و تمام مرزهای سیاسی کشور که تحت تسلط ایرانیان بوده همچون میان رودان و اغلب ارمنستان را در بر می گرفت. نیز جغرافیای سیاسی سامانیان «۳۱۱-۳۹۵» که یکی از دودمان ایران کهن بود، شامل سرزمین های خراسان، هیرکان، مکران، سیستان، خوارزم و کرمان به پایتختی بلخ و بخارا با فرمانروایی اسماعیل سامانی و ابراهیم بن منصور بود. و همچنین جغرافیای سیاسی غزنویان به مرکزیت غزنه، امپراطوری پهنواری را شامل بود. قسمت هایی از ترکستان شرقی و خراسان بزرگ، بخش های پهنواری از کشورهای امروزی قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران، افغانستان و پاکستان، شمال و شمال غربی شبه قاره هند، مکران و کرمان و عراق عجم با سلطان محمود ترک تبار، جنگ افزون، متعصب در دین و مورد حمایت خلیفه بغداد، در پهنه ی خود داشت. به فوریت گفته شود چشم گشودن فردوسی در ده باژ، از زمین زراعی، باغ های میوه و قلعه اربابی ظاهرا عرصه ی وجود مستندی است، اما در واقع امر جغرافیای خراسان بزرگ با منطقه پهناور و آباد و جغرافیای سیاسی دو سلسله در قلمرو دیدگان و هستی اش بود. این جغرافیای سرزمین هایی که از دیدگاه تاریخی بخشی از ایران بزرگ «ایرانشهر» بود، در جغرافیای شاهنامه اساس و پایه ای می شود. از فهم و توصیف حماسه و تاریخی یک خطه جغرافیایی، به احتمال بتوان ندای جهان درون قدیم و روح ملی را شنید و به ابزار حکمت گذران شکلی از حیات به انضمام انگیزه ی آفرینش ثروت ادبی یک سرزمین را با هوش و شعور امروزی بودن، پی برد. هنگامی که صحبت از ایران زمین است، سرزمینی را با مفهوم ایرانشهر به وجود بخشی از هخامنشی متصور می شود. از این ره گذر از نظر تاریخی و مدرک شناسی تاریخی، هخامنشیان مهم هستند. ایران هویتی پیدا کرد و ساسانیان نیز به مطرح شدن ایرانشهر تعلق ایجاد کردند. و این سلسله با بار خاطره ی جغرافیایی و تاریخی، بخشی از هویت تاریخی، در حافظه جمعی ما بیشتر نقش داشته است. خاطره جمعی مفهومی جدید در روان شناسی تاریخی و اجتماعی است که انگار در لایه های باستانی روح فردوسی به مانند گستره ی رویا









## رشد تولید فرش دستباف در سایه چالش‌ها



رئیس اداره فرش اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان از تولید ۴۷ هزار و ۵۰۰ مترمربع فرش، گبه و تابلوفرش در سال گذشته خبر داد و گفت: این آمار که نشان‌دهنده رشد ۳۳۶ درصدی نسبت به سال قبل است، در حالی به دست آمده که بافندگان با کمبود نقدینگی برای خرید مواد اولیه و محدودیت‌های صادراتی ناشی از تحریم‌ها دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. به گزارش روابط عمومی، وهاب صحنه بیان کرد: این حجم تولید، حاصل تلاش ۳۰ هزار بافنده فعال و نیمه‌فعال در گلستان است. وی افزود: تنوع در محصولات چشمگیر است، ۶۸ درصد فرش‌ها ریزبافت، ۲۰ درصد گبه، ۱۰ درصد درشت‌بافت و ۲ درصد تابلوفرش است که این اعداد نه تنها از مهارت بافندگان حکایت دارند، بلکه نشان‌دهنده ظرفیت بالای این صنعت در استان هستند. صحنه از اقدامات گسترده برای پشتیبانی از بافندگان خبر داد و گفت: برگزاری نمایشگاه تخصصی با حضور ۱۹ واحد تولیدی، چهار دوره آموزشی ارتقای مهارت با بیش از سه هزار و ۵۰۰ نفر ساعت، دوره بازاریابی با ۷۸ نفر ساعت، جشنواره نوآوری و کارآفرینی، کارگاه‌های مرمت و بهداشت با صدها نفر ساعت آموزش این برنامه‌ها، تاروپود توسعه صنعت فرش دستباف گلستان را محکم‌تر کرده‌اند. رئیس اداره فرش اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان ادامه داد: حمایت مالی هم در دستور کار بوده است. سال گذشته، هشت شرکت پشتیبان مشاغل خانگی برای دریافت تسهیلات ارزان‌قیمت به بانک‌ها معرفی شدند. وی گفت: اولویت با شرکت‌هایی است که چرخ تولید فرش را زنده نگه می‌دارند. از راه‌اندازی واحدهای ریسندگی و رنگرزی تا تسهیلات کم‌بهره برای تجهیز کارگاه‌ها و پرداخت به‌موقع دستمزد بافندگان، این حمایت‌ها قرار است آینده‌ای پایدار برای این هنر رقم بزنند. فرش دستباف ترکمن، که در سال ۱۳۹۰ ثبت ملی شده، تابلویی رنگارنگ از هویت این قوم است. بیش از ۸۱۱ طرح، از ماری گل و قوش گل تا آوغان گل، با نقش‌های هندسی و کتیبه‌های لوزی‌شکل، اعضای ترکمن‌ها بر این بافته‌هاست. رنگ‌های سنتی قرمز لاک، آبی سرمه‌ای و سبز پرننگ حالا با طوسی، نارنجی و طلایی درآمیخته‌اند تا این هنر با سلیقه امروز همگام شود. صحنه نیازهای این صنعت را هم برشمرد: آسان‌سازی صدور مدرک مهارت برای بافندگان کم‌سواد، تشویق جوانان به ورود به این حرفه، محدود کردن واردات فرش خارجی و تقویت تولید داخلی. این‌ها گام‌هایی است که می‌تواند فرش گلستان را از حاشیه به متن بازارهای جهانی بیاورد.

و کوشش برای تامین زندگی شرافتمندانه خود مبلغ بسیار ناچیزی به نام حقوق و یا موجب دریافت می‌کنند، آیامی‌توانند با این حقوق اندک ده روز زندگی خود را اداره کنند؟ می‌توانند به فکر تهیه مسکن بیست سی متری برای رفاه خانواده خود باشند؟ مردم جامعه چگونه باید به این باور برسند که رئیس بانک مرکزی عیدی به نزدیکان خود سکه صد میلیون تومانی بدهد و معاون پارلمانی دولت هم به سفر قطب جنوب برود و سایرین که فعلاً ما بی‌خبریم!!! آیا این گونه رفتار توهین به هموطنان نیست؟ آیا بیانگر فاصله طبقاتی میان مردم و دولت مردان نیست؟ آیا نشانه بی‌حرمتی به مردم نیست؟! گاهی لازم و نیاز است که دولت‌مردان و مجلسیان و سایر مسئولان خود را به جای کارگری قرار دهد که اگر یک روز بیکار بماند خرجی روز بعد عائله خود را ندارد و باید شرمند زنی و بچه‌اش باشد!!! مسئولان باینکه یک ساعت به‌جای بازنشستگان زندگی کنند که با مشکلات فراوان معیشتی و بیماری و ناتوان بودن در تهیه دارو آشنا شوند شاید که این دردها را ملاحظه کنند و واقعیت‌ها را ببینند تا شاید بتوانند شیوه‌ای اتخاذ نمایند و تصمیمی بگیرند تا به معیشت و زندگی مردم کمک کند.

### فعال رسانه‌ای

خلا بیان کرده باشد. با این حال، هر پدیده‌ای که آموزه‌های دینی را نفی نکند، خود بخود، مورد تایید دین خواهد بود. اصل آزادی اولیه و رها بودن از تکالیف پیشین الهی چنین تقاضایی دارد. تنها اموری که با آموزه‌های دینی در تضاد قرار بگیرد، مثلاً به جای خدا پرستی، کسانی به بت پرستی بگرینند، یا ربا را در معاملات روزمره رسمیت دهند و اموری از این قبیل، در آموزه دینی نفی شده است. قلمرو دین محدود است و اموری که در بیرون از قلمرو دین انجام می‌گیرد، اگر قلمرو دین را مورد تعرض قرار ندهد، با آموزه‌های دینی می‌توان آنها را، خود به خود، مورد تایید قرار داد. ۴. تشویق دینی: اگر کارهایی بیرون از قلمرو شرع صورت گیرد و در عین حال، برای فرد، گروه یا جامعه نوعی از فایده‌ها را برساند، بی تردید چنین کارهایی نه تنها مورد تایید دین، که مورد تشویق دین قرار گرفته است. هویت ملی و نشانه‌های هویت تاریخی-اجتماعی یک ملت، بی تردید، در انسجام ملی، در تقویت همبستگی، تولید امید در نسل‌های جدید و اشکال مختلف تعاون و تعامل اجتماعی تاثیر ارزشمندی دارد. از این رو، می‌توان احترام و پاسداری از عناصر ملی را از نگاه دینی، مورد تشویق و ترغیب قرار داد. سخن پایانی: امروزه مردم ایران به هویت ملی خود احترام می‌گذارند و از آنها تجلیل می‌کنند. این خواست عمومی، به خاطر منافع عرفی-عقلایی که دربر دارد، باید مورد تکریم اهالی دین و مذهب هم قرار گیرد. همانطور که در سطح خرد، اعضای یک خانواده به خانه‌پداری علاقه نشان می‌دهند، ربطی به دینداری و بی‌دینی ندارد، علاقه به هویت ملی هم، خود به خود، چنین است. مقابله با هویت ملی بنام دین، خدمت به دین نیست، اگر، ناخواسته، خیانت به دین داری نباشد.

### استاد علوم سیاسی

امروز حال بسیاری از شهروندان ایرانی داخل و خارج از کشور خوب نیست و چند سالی که هموطنان ما در امواج سهمگین تورم و گرانی گرفتار آمده و دارند غرق می‌شوند که این مشکل کام مردم ما را به شدت تلخ کرده است. بدین صورت که بسیاری از هموطنان ما در معیشت و رفع احتیاجات اولیه زندگی خود مانده‌اند و متأسفانه باید بگویم که تورم و گرانی سرسام‌آور دارد طبقات کف جامعه را به ورطه‌ی سقوط می‌کشانند. اما در این شرایط بس ناگوار مشاهده می‌شود که مسئولان نظام با نادیده گرفتن شرایط موجود که مسبب اصلی هم خود آنان هستند اقدام به سیر و سیاحت به قطب‌ها و سایر کشورهای دنیا می‌کنند و متأسفانه شاهد برخورد با این افراد از سوی دولت و مجلس هم نیستیم؟! ترمز این آدم‌ها چه زمانی کشیده می‌شود؟! چگونه باید این آدم‌ها سبک و سیاق زندگی خود را با آحاد مردم جامعه وفق دهند. آیا این شیوه زندگی تعریف همراه مردم نبودن در این بحران‌ها نیست؟! چرا مسئولان متوجه این موارد نیستند؟! معاون پارلمانی رئیس‌جمهور محترم به سفر تفریحی قطب جنوب می‌رود و جناب دکتر فرزند سکه‌ی بهار آزادی به نزدیکان خود عیدی می‌دهد! این در حالی است که در همین مملکت کارمندان و کارگران و بازنشستگان و ... برای یک ماه تلاش



## مسئولان چرا حال و روز مردم را نمی‌بینند؟!



محمود رحیمی

های گوناگون، از دین شناسی نادرست برخیزد. ۱. رابطه ظرف و مظلوف: هویت ملی و اجزای سازنده آن همچون بدن یک جامعه می‌ماند که قوام جامعه بر آن استوار است. از نظام قبیله گرفته تا سقیفه بنی ساعده، محل شوراهای اجتماعی، در زمان ظهور پیامبر ص، برای آن جامعه هویت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را ساخته بود. از این رو، اسلام، دین تازه پدیدار شده در جزیره العرب، هیچ گاه خود را در تقابل با هویت آن جامعه قرار نداد؛ بلکه پیام‌های آسمانی دین همچون مظلوفی درون آن ظرف قرار گرفت. حتی "زبان عربی" هم، به مثابه عنصری فرهنگی-هویتی، وسیله‌ای برای پایین آمدن وحی از مبدا استعلائی-آسمانی به مقصد زمینی-انسانی نقش ایفا کرد و در این مرحله دین جامعه فرهنگ عربی بر تن پوشید. ۲. از توهم بدعت تا افتادن در بدعت: بدعت گذاری در دین آشکارا عملی ناپسند شمرده شده است. آنان که هویت ملی را در تقابل با دین ورزی تلقی می‌کنند، ممکن است دچار این توهم گردند که ابراز علاقه به هویت ملی یا عناصر سازنده آن، بدعت است و بدعت در اسلام حرام است. پس علاقه به هویت ملی یا اجزای سازنده آن حرام است. این استدلال نه تنها باطل است، بلکه ممکن است خود سخنی آلوده به بدعت باشد. بدعت یعنی آنچه جزء دین نیست، کسانی آن پدیده ذاتا غیردینی را امری دینی بشمارند. روشن است که علاقمندان به هویت ملی، آن را از امور تشریح شده در دین نمی‌پندارند و بنام دین چنین کاری را انجام نمی‌دهند. اما آن کس که علاقمندی بر هویت ملی را حرام می‌شمارد در واقع ناخواسته خودش به گونه‌ای دچار بدعت می‌گردد، چرا که امری ذاتا غیردینی را از حرام‌های دینی تلقی می‌کند. ۳. تایید دینی: هویت ملی و مسائل مربوط به آن، امر دینی نیست که احکام آن را در متون درجه اول اسلام یعنی قرآن کریم یا روایات معتبر، از راه وحی،



## تقابل دروغین بین دین و عناصر هویت ملی



محمود شفیع

اخیراً یک عالم دینی در اعتراض به تجمع مردم در مقبره خیام گفته‌اند، باید آنجا را تخریب کرد و ظاهراً خبر از تصمیم جدی اتخاذ شده برای اقدام عملی هم داده‌اند. ایجاد تقابل بین هویت ملی-تاریخی و دین ورزی، ممکن است، به دلیل